

مبانی روان‌شناختی «حجاب» و «عفاف» با تأکید بر متون اسلامی

محمد رضا سالاری فر*

چکیده

هدف این پژوهش عبارت بود از کشف و دسته بندی «مبانی روانی لزوم رعایت عفاف». «عفاف» عبارت است از خویشتنداری از رفتار جنسی و عاطفی خارج از حدود شرعی؛ و «حجاب»، نمود ظاهری و از ابعاد مهم عفاف است. پرسش این تحقیق عبارت بود از اینکه «چه صفات روان شناختی در زن و مرد مقتضی رعایت چارچوب هایی در روابط عاطفی جنسی بین زن و مرد نامحرم است؟» در این پژوهش از «روش کیفی تحلیل متون» در بررسی آثار روان شناسی و از «روش های متعارف در علوم اسلامی» برای فهم و برداشت از احادیث و تفسیر قرآن استفاده شد. بر اساس نتایج تحقیق، امور زیر در روابط انسانی مقتضی رعایت عفاف و پوشش مناسب زن و مرد نامحرم در مقابل هم است: «حیا»، «حریم طلبی»، «پیشگیری از نگاه جسمی و جنسی به زن»، «تعدیل نیاز جنسی در روابط انسان»، «لزوم مهار نیاز خودآرایی زنان» و «نیاز به سلامت روانی و جسمی».

واژه‌های کلیدی: عفاف، حیا، حریم طلبی، خودآرایی و سلامت روانی.

مقدمه

عفاف و حجاب ارزش مهمی در تعالیم اسلامی دارد که در همه ادیان الهی نیز مشترک است (جاوید، ۱۳۸۹، ص ۱۰۰-۱۱). عفاف طیف گسترده‌ای از رفتارها و حالات تعاملی زن و مرد از پوشش تا شیوه گفتار، نگاه، راه رفتن، استفاده از زیورآلات و آرایش کردن را دربرمی‌گیرد و عبارت از خویشتنداری از رفتار جنسی و عاطفی خارج از حدود شرعی است. رعایت عفاف آثار مثبتی بر اخلاق و معنویت در سطح فردی دارد. این تحقیق درصدد است مبانی فطری لزوم رعایت عفاف را در زمینه روان‌شناسی کشف و دسته‌بندی کند. مبانی روان‌شناختی حجاب و عفاف در این تحقیق، عبارت از هرگونه بعد، ویژگی، صفت و حتی گرایش‌های رفتاری در انسان است که مقتضی رعایت چارچوب‌هایی در روابط زن و مرد نامحرم است. مراد از این چارچوب‌ها در واقع همان مفهوم عفاف و حجاب در متون اسلامی است. پرسش این تحقیق عبارت است از: چه صفات روان‌شناختی در زن و مرد مقتضی رعایت چارچوب‌هایی در روابط عاطفی جنسی بین زن و مرد نامحرم است؟

نخستین تحقیقی که به مبانی روان‌شناختی حجاب پرداخته است، کتاب مسئله حجاب شهید مطهری است (۱۳۹۰). پسندیده به یکی از مبانی عفاف یعنی حیا پرداخته است (۱۳۸۳). صبور اردوبادی به بررسی مهار نگاه و تأثیر آن بر عفاف پرداخته است (۱۳۹۰). سالاری فر فلسفه روان‌شناختی حجاب و آثار بی‌توجهی به حریم شخصیتی زن را از این نگاه تحلیل کرد (۱۳۸۷). مهدی‌زاده به برخی از ابعاد روانی حجاب یعنی حیا و تعدیل‌گریزه خودنمایی پرداخته است (۱۳۹۰). نظیفی و همکاران به برخی آثار فردی و اجتماعی آن اشاره کرده‌اند (۱۳۸۹). مودودی (۱۴۲۶) به ابعاد روان‌شناختی، تربیتی و اجتماعی حجاب پرداخته و به طور مختصر حیا را بررسی کرده است. کیادربندسری (۱۳۹۴) عفاف و حجاب را ضمن عنوان مدیریت بدن بررسی کرده و آسیب‌های ضعف عفاف را برشمرده است. اسحاقی (۱۳۸۷) و غلامی (۱۳۹۱) در بررسی علل بدحجابی به برخی مبانی عفاف اشاره کرده‌اند. زیبایی‌نژاد به کارکردهای حجاب پرداخته و حمایت از خانواده در کارکرد جنسی را از مبانی این آموزه اعلام کرده است. حاذق و حمزه‌پور (۱۳۹۰) به علل پیدایش حجاب از دیدگاه‌های مختلف پرداخته و مبانی اجتماعی فرهنگی آن را بررسی کرده‌اند. رجبی (۱۳۸۵) در مورد

روان‌شناسی حجاب و نقش آن در سلامت روان به پژوهش پرداخته است. هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به‌طور نظام‌مند، مبانی روان‌شناختی عفاف را بررسی نکرده است.

روش تحقیق

برای پاسخ به پرسش تحقیق به تحلیل متون علمی روان‌شناسی در حوزه تفاوت‌های زن و مرد و روابط آنان، پرداخته شد. همین‌طور در متون اسلامی، صفات انسانی مقتضی عفاف کنکاش شد. در استفاده از متون اسلامی، روش‌های فهم و برداشت از حدیث و تفسیر قرآن در مکتب اهل‌بیت(ع)، مبنای تحلیل و نتیجه‌گیری بود. از آنجا که موضوع روابط زن و مرد نامحرم در آیات قرآن آمده است (نور، ۳۱؛ احزاب، ۵۹ و ۳۲ و ۳۳) می‌توان این تحقیق را از نوع تفسیر موضوعی دانست. بدین‌منظور واژه‌های مرتبط با عفاف مانند جلیاب، خمار، شهوت، غضب بصر، حیا، زینت، تبرج، حلیه، خلوت، اخدان در متون اسلامی بررسی شد.

یافته‌ها

براساس نتایج تحقیق، مبانی روان‌شناختی مقتضی رعایت عفاف در روابط انسانی عبارتند از: حیا، حریم‌طلبی، پیشگیری از نگاه جسمی و جنسی به زن، تعدیل نیاز جنسی در روابط انسان، لزوم مهار نیاز خودآرایی زنان و نیاز به سلامت روانی و جسمی.

۱. صفت حیا

یکی از صفات مهم در انسان‌ها حیا می‌باشد که نقش مؤثری در رعایت عفاف و حجاب دارد. حیا دگرگونی حال و انکساری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده شده است، پدید می‌آید (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۸۲). حیای نفسانی شرمی است که خدا در همه نفوس قرار داد، مانند شرم از کشف عورت و جماع بین مردم (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۱۱۹). حیا گرفتگی نفس از زشتی‌ها و ترک آن به همین جهت است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰).

به نظر می‌رسد بازدارندگی ارادی مفهوم محوری صفت حیا است (شجاعی، ۱۳۸۸، ص ۲۹۶). از آیات قرآن روشن می‌شود که عامل اصلی در شکل‌گیری حیا، حضور و

نظارت انسان دیگر، خداوند یا فرشتگان است (قاف، ۱۸، حدید، ۴ و علق، ۱۴ و توبه، ۱۰۵). در جمع‌بندی مفهوم لغوی و کاربرد حیا در متون اسلامی می‌توان گفت که صفت حیا در فرد، نوعی مهار خویش از رفتار نامناسب به جهت احساس حضور یک ناظر محترم را پدید می‌آورد. اثرپذیری درونی، گرفتگی و بازدارندگی سه‌جنبه حیا است. حیا در همه زمینه‌ها از جمله انجام یک رفتار مناسب و خودداری از حرکت خشمگینانه یا از روی شهوت نقش دارد (پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۱۷ و ۳۸). با وجود این، به نظر می‌رسد یکی از شایع‌ترین موارد استعمال حیا به خویش‌تنداری در روابط جنسی باز می‌گردد.

وجود حیا در انسان به عنوان یک حالت فطری شواهد بسیاری دارد. در این مورد، مؤلفان به داستان حضرت آدم و حوا استناد کرده‌اند: «پس هنگامی که از آن درخت چشیدند، زشتی‌ها و قسمت‌های پنهان اندامشان بر آنها آشکار شد و (به سرعت) شروع به قرار دادن برگ‌های درختان بهشتی بر خود کردند تا آنها را بپوشانند» (اعراف، ۲۲). از آیه می‌توان برداشت کرد که آدم و حوا هنگام برهنه شدن، مضطرب و پریشان شدند؛ زیرا برای رهایی از این حالت با برگ‌های درختان خود را پوشاندند. این در حالی است که آنها همسر یکدیگر بودند و جایز بود در مقابل هم برهنه شوند، هیچ‌کس در آنجا نظاره‌گر آنها نبود تا شرمندگی‌شان به دلیل او باشد و چون نخستین انسان بودند، پوشش برای آنها جنبه اکتسابی هم نداشت. بنابراین، تنها دلیل اضطراب ایشان از برهنگی، فطری بودن حیا در آنها بود و چون برهنگی خلاف فطرت است، اضطراب‌آور است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۵-۸۱، پسندیده، ۱۳۸۳، ص ۵۱ و قرائتی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۵). فاصله گرفتن حضرت مریم از مردم و آرزوی مردن و فراموشی مطلق نزد مردم (مریم، ۲۳) و برخورد زن عزیز مصر در بستن درب‌ها و پوشاندن بت خود (یوسف، ۲۳) نیز شواهدی برای فطری بودن حیا در روابط جنسی عنوان شده است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۶-۸۵).

از سخنان معصومان(ع) نیز فطری بودن حیا در انسان روشن می‌شود که البته در جنس زن بیشتر است و نوعی تحول در کیفیت و کمیت در این صفت برای آنان اعلام شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۴۶۸). براساس این روایات، حیا در مراحل زندگی زن به تدریج کاهش می‌یابد و مقدار باقی‌مانده آن به خویش‌تنداری زن بستگی

دارد. این تعبیر نشان می‌دهد که حیا در طبیعت انسان نهاده شده است. تأکید بیشتر به این صفت در زنان می‌تواند به برخی تفاوت‌های زن و مرد برگردد. براساس روایات، خداوند شهوت زنان را بیش از مردان قرار داده است. با این جهت عامل قدرتمند و مهارکننده‌ای نیازمند است تا احتمال افتادن زن در گناه در کاهش دهد. خداوند به موازات افزایش شهوت زن، نیروهای کنترلی وی را نیز افزایش داده است. حیا و صبر از نیروهای مهارکننده هستند که در زنان بیش از مردان وجود دارد» (پسنیدیه، ۱۳۸۳، ص ۹۹). آموزه‌های اسلامی، به جهت برخی ویژگی‌های جسمانی و روان‌شناختی، تقویت صفت حیا را برای زنان مطلوب‌تر اعلام کرده است (ورام، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۱۸). برخی حیا را اکتسابی و متأثر از فرهنگ و تربیت می‌دانند: «چون زنان (مادران) دریافته‌اند که دست‌ودلبازی مایه طعن، نفرین و تحقیر آنهاست، حیا را به دختران خود یاد داده‌اند. دیدرو آن را ناشی از رشک و غیرت مردان می‌داند و می‌گوید که حس تملک مردان را وادار کرد که حیا را بر زنان تحمیل کنند» (دورانست، ۱۳۵۴، ص ۱۳۳). تفاوت فرهنگ‌ها در حیا و نبود آن در جوامع بدوی، نقض فطری بودن حیا گرفته‌اند. با وجود این، اصل حیا در همه فرهنگ‌ها موجود است و اختلاف در نوع و مقدار آن است. افزون بر آن، جوامع بدوی نیز از اصل حیا خالی نیست. از آیه قرآن در مورد آدم و حوا برداشت صفت حیا می‌شود؛ در صورتی که هنوز از فرهنگ خبری نبوده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۹۱).

«علاوه بر مردم‌شناسی، تجزیه و تحلیل روان‌شناسی نیز ثابت می‌کند که احساس شرم یکی از صفات عمده نوع بشر است. هیچ قبیله اولیه‌ای هر قدر هم بدوی بوده باشد، شناخته نشده است که از خود شرم بروز ندهد و بچه‌های کوچک نیز شرم دارند...» (شوارتز؛ به نقل از حداد عادل، ۱۳۷۴، ص ۶۸). دورانست حیا را برای زنان لطیف می‌داند و کارکردهای مطلوبی را در روابط زن مرد برای آن معتقد است (دورانست، ۱۳۵۴، ص ۱۳۳).

«در طبع زنان، در مقابل شهوت و جاذبیت جنسی، حیا و احتشام و امتناع نیز به ودیعت نهاده شده است که در هر زنی کم‌وبیش وجود دارد. بدون شک، این‌غریزه امتناع و فرار در جنس ماده حیوانات دیگر نیز ظهور دارد، ولی در جنس ماده انسان

بیشتر و شدیدتر است و این شدت به وسیله وضع غریزه حشمت و حیا در روان او، افزون گشته است» (المودودی، ۱۴۲۶، ص ۱۴۰).

بنابراین، وقتی حیا در زن فطری باشد، پوشش هم که از آثار و نتایج آن است، فطری خواهد بود. «تمام ملل جهان در این عقیده مشترکند که زن‌ها باید حجب و حیا داشته باشند تا بتوانند خودداری کنند. علتش این است که قوانین طبیعت این‌طور حکم کرده است و لازم دانسته زن‌ها محجوب باشند و بر شهوات غلبه کنند. طبیعت مرد را طوری آفریده که تهورش زیادتر باشد، ولی زن طوری آفریده شده که خودداری و تحملش زیادتر باشد. بنابراین، هرگز نباید تصور کرد افسار گسیختگی زن‌ها بر طبق قوانین طبیعی است، بلکه افسارگسیختگی برخلاف قوانین طبیعت می‌باشد و بر عکس، حجب و حیا و خودداری مطابق قوانین طبیعت است؛ زیرا طبیعت ما را طوری آفریده که به نقص خود پی‌بریم و به همین جهت است که دارای حجب و حیا هستیم؛ زیرا حجب و حیا همانا خجالتی است که شخص از نقص و عدم کمال خود دارد» (منتسکیو^۱، ۱۳۶۲، ص ۴۴۲).

در جوامع انسانی دختران با در نظر گرفتن فروتنی و حیا تربیت می‌شوند. به همین جهت حتی آنان در ابراز پیشرفت‌های خود سعی دارند از هنجار اجتماعی حیا پیروی کنند. در موقعیت‌های اجتماعی هر جا که نیاز به حیا نیست، تفاوت جنسیتی دختر و پسر در ابراز موفقیت‌های خود مشاهده نمی‌شود (هاید، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴). این واقعیت نیز شاهدی بر فطری بودن حیا در انسان و غلبه آن در جنس زن است.

از شواهد دیگر غلبه صفت حیا در زنان این است که آنان در موقعیت بدنی، پیام زنانه بودن را دریافته‌اند. به همین دلیل لباس‌های زنان بیش از لباس مردان محدودکننده است و زنان خیلی زود یاد می‌گیرند که مردان در مورد آنان دقیق هستند. پس می‌آموزند که به گونه‌ای بنشینند و بایستند که از بخش‌های خصوصی بدن آنها محافظت شود. با مطالعه عکس‌ها و نقاشی‌های گرفته شده از کشورهای مختلف جهان چنین تفاوت‌های جنسیتی در دیگر فرهنگ‌ها نیز مشاهده شده است (فریز و رامسی^۲، ۱۹۷۶؛ به نقل از لیبز، ۱۳۹۳، ص ۱۸۶).

1. Montesquieu

2. Frieze & Ramsey

کاربردهای لغوی حیا در سخنان معصومان(ع) نشان می‌دهد که پوشیدگی یا پوشاندن، جزئی از مفهوم حیا است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۲۳ ج ۲، ص ۴۶ و حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۵). بنابراین صفت حیا موجب می‌شود که با یک حالت پوشیدگی در فرد مواجه شویم که این می‌تواند درونی و باطنی یا بیرونی و ظاهری باشد.

۲. حریم‌طلبی

امروزه برخورداری افراد از حریم خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر به شمار آمده و در مبانی دینی و قوانین حقوقی به رسمیت شناخته شده است (آماده، ۱۳۹۲، ص ۱۶). از مبانی روان‌شناختی گرایش به عفاف و حجاب، نیاز انسان به حریم خصوصی است. حرم به معنای جای محفوظ و دارای حرمت است که شکستن آن روا نباشد و ورود به آن نتوان کرد (صفی‌پور، بی‌تا، ص ۲۰۱). اصل این کلمه به معنای بخشی از پیرامون خانه یا مکان دیگر است که جزئی از آن به حساب می‌آید (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۳۵۲). واژه خصوصی به معنای آنچه است که مردم مخصوص به خود می‌دانند (جوهری، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۳۴۹). بر این اساس حریم خصوصی در لغت به معنای جا و محدوده‌ای شخصی و خاص است که ورود و مداخله به آن جایز نیست (آماده، ۱۳۹۲، ص ۱۸).

معادل این اصطلاح در زبان انگلیسی، کلمه «privacy» است. در قوانین آمریکا حریم خصوصی عبارت است از اطلاعات محرمانه و شخصی فرد که در صورت افشا نزد دیگران موجب شرمندگی، پریشانی و دردسر وی شود (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۱). حریم خصوصی در ابعاد منازل و اماکن، جسمانی، ارتباطات و اطلاعات عنوان شده است (همان، ص ۴۶). حمایت از استقلال و آزادی فردی و آبرو و حیثیت افراد از مبانی حریم خصوصی است. مبنای دیگر، نیاز فطری انسان به آن است (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۵۱). برخی بر اساس همین اعتقاد، ضرورت برخورداری از حریم خصوصی را بدون استدلال عقلی و از راه شهود قابل درک می‌دانند. پژوهش‌های انسان‌شناسان این امر را تأیید می‌کند و جانورشناسان نیز ثابت کردند که برخی حیوانات به طور غریزی به حریم خصوصی اهمیت می‌دهند. حریم خصوصی جسمانی مبنای حقوق مختلف بشری است. وجود و تمامیت جسمانی هر فرد اولین و بدیهی‌ترین امری است که با آفرینش در اختیار انسان قرار گرفته است و هرگونه بازرسی و نقیشت بدن، شکنجه،

ایراد زیان و آسیب جسمی و روانی، انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی و مانند آن ممنوع می‌باشد. حریم جسمانی کلیه امور مرتبط با فیزیک بدن از جمله مصونیت‌ها و آزادی‌های فردی مربوط به جسم را شامل می‌شود. اطلاعات شخصی، عقاید، تفکر در مورد جسم فرد از ابعاد حریم شخصی جسمانی است (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۵۳-۵۲).

موضوع عفاف و حجاب را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مرتبط با حریم خصوصی دانست. رابطه انسان‌ها خصوصاً زنان و مردان در همه جوامع دارای حریم‌هایی است که صرف‌نظر از تفاوت‌های فرهنگی در بسیاری ابعاد مشترک است؛ مثلاً حریم رابطه جنسی زنی که ازدواج کرده، تنها با شوهرش است و هرگونه رابطه جنسی غیر از این را همه فرهنگ‌ها خیانت می‌دانند. نکته مهم این است که وجود چنین حریمی در همه فرهنگ‌های انسانی از یک مبنای فطری ریشه می‌گیرد. حریم ارتباطی زن و مرد در ابعاد عاطفی-جنسی، چارچوب رفتاری یا گفتاری است که خروج از آن آزارنده است. براساس تعریف روان‌شناسان اجتماعی آزار جنسی^۱، هر نوع رفتاری است که معنا و مفهوم جنسی دارد و طرف مقابل از آن ناخشنود شود و برای زنان محیط تفرآوری را پدید آورد (ویگینز^۲ و دیگران، ۱۹۹۴، ص ۴۶۵). مشاهده ظاهر دیگران نیز می‌تواند تعدی به حریم خصوصی آنان باشد. البته این بستگی به موقعیت مکانی فرد دارد. اگر در مکان عمومی باشند از نظر حقوقی نقض حریم شخصی محسوب نمی‌شود (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴). از نظر روان‌شناسی، نگاه‌های تند، اظهارنظر در مورد ظاهر فرد، تماس بدنی، تهدید به تجاوز، تجاوز و مانند اینها، آزار جنسی محسوب می‌شود (ویگینز و دیگران، ۱۹۹۴، ص ۴۶۵). جک‌های جنسی، استفاده از پورنوگرافی و مسخره کردن ظاهر زنان آزار جنسی^۳ محسوب می‌شود (رادمن، ۲۰۰۸، ص ۱۹۵). تلقی این امور از جزئی‌ترین تا موارد شدید به عنوان آزار نشانه احساس آشفستگی انسان‌ها از شکسته شدن حریم شخصی‌شان است. آزار جنسی نیز هرچند ماهیت جنسی دارد، ولی عمدتاً به حرمت و کرامت زنان آسیب می‌رساند. بنابراین وجود چارچوب‌هایی در روابط زن و مرد به اقتضای نیاز فطری انسان‌ها به حریم شخصی است. البته محدوده این حریم در حوزه پوشش و عفاف به فرهنگ هر جامعه بستگی دارد.

1. sexual harassment

2. Wiggins, J. A.

3. gender harassment

در نگاه اسلامی، حجاب و پوشش زنان صرف‌نظر از وجوب، معیار و دیدگاه‌های فقها در مورد آن، از شاخص‌های حریم خصوصی است (محسنی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۳). به نظر می‌رسد که یکی از مبانی احکام روابط زن و مرد مانند رعایت حجاب در زنان و عدم جواز نگاه و تماس بدنی با زنان از سوی مردان نامحرم به جهت رعایت احترام و حریم شخصی زن مسلمان است، به این معنا که او برای خویش حریمی دارد که هرگونه تماس بدنی، خلوت، فاصله نزدیک در مکان‌های عمومی یا نگاه را نقض حریم خود می‌داند. بنابراین بخشی از وظایف مردان در روابط با زنان نامحرم نیز به رعایت حریم شخصی زنان بازمی‌گردد. شواهد این ادعا در متون اسلامی عبارتند از:

شاهد اول: از اهداف توصیه زنان مسلمان به پوشش سر شناخته‌شدن است. گویا آنان با حجاب به دیگران نشان می‌دهند که مسلمان هستند و به چارچوب عفاف پایبند می‌باشند. این رفتار نوعی قرار دادن حریم شخصی برای خویش است. در آیه ۵۹ سوره احزاب آمده است: «ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است». برخی مترجمان فارسی قرآن کریم، صرف شناخته شدن را در ترجمه آیه آورده‌اند (فولادوند، ۱۳۷۳ و مکارم شیرازی، ۱۳۸۵) و برخی شناخته شدن به عفت و پاکدامنی (مجتبوی، ۱۳۷۱ و الهی قمشه‌ای، ۱۴۱۱ق). مفسران قرآن به این دو معنا اشاره کرده‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸ق، زمخشری، ۱۴۰۷ق و طباطبایی، ۱۳۷۴). در هر دو صورت زنان مسلمان مأمور به حجاب شده تا حریم خود را به مردان اعلام کنند و در نتیجه مردان وارد این حریم نشوند.

شاهد دوم: زنان غیرمسلمان چنین حریمی برای خود در نظر نمی‌گیرند و به همین جهت مردان در نگاه به آنان منعی ندارند (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۲۰۴).

شاهد سوم: نگاه به زنانی که از نگاه مردان به سر و وضعشان پروایی ندارند، جایز است، زیرا آنان در این مورد حریمی برای خود قرار نداده‌اند. این مطلب از سخن امام صادق برداشت می‌شود که فرمود:

«نگاه کردن به سر زنان اهل تهامه، بادیه‌نشینان، روستایی‌ها و زنان بی‌سواد مانعی ندارد، زیرا هرگاه ایشان را نهی کنند، اعتنا نمی‌کنند» (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۲۰۵).

گویا این زنان حریمی در مورد پوشش برای خود تعریف نکرده‌اند. مرحوم خوبی

در توضیح این حدیث گفته است: حرمت نگاه کردن به این دلیل است که زن مؤمن بر مرد مؤمن حق دارد که به او نگاه نکند تا حرمتش شکسته نشود. بنابراین افرادی که برایشان نگاه دیگران اهمیت ندارد و پوشاندن خود اهمیت نمی‌دهند، گویا در این مورد برای خود حریمی در نظر نگرفته‌اند (بروجردی، ۱۳۸۸).

شاهد چهارم: در روایت آمده است که نگاه به مو و بدن زنان دیوانه و فاقد عقل بدوت قصد لذت، اشکالی ندارد (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱، ص ۲۰۶). از روایت روشن می‌شود که این افراد به دلیل فقدان درک و فهم اجتماعی، اساساً به حریم خویش و آداب اجتماعی توجهی ندارند.

شاهد پنجم: جواز دست دادن بدون قصد لذت با زنان مسلمان که از تماس بدنی با مردان نامحرم پروایی ندارند. این حکم در نظر برخی فقها (منتظری، رساله استفتائات، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۳۳۱ و ج ۲، ص ۳۵۰) نشان می‌دهد که عدم جواز دست دادن با زنانی که مایل نیستند، به دلیل حریمی است که آنان برای خود در نظر گرفته‌اند. از مجموع این شواهد به دست می‌آید که یک فلسفه مهم احکام حجاب و عفاف به نیاز زنان برای حریمی شخصی است.

تأثیر عفاف در نیاز به عزت نفس زنان

از آثار رعایت حجاب و عفاف، حفظ و افزایش عزت نفس زنان است که با بحث حریم زنان مرتبط است؛ می‌توان گفت که زنان به سبب نیاز به حریم خصوصی به رعایت چارچوب‌هایی در روابط با مردان روی می‌آورند. با این پابندی عزت نفس آنان تقویت می‌شود. شهید مطهری معتقد است عفاف و پوشش تدبیری است که خود زنان برای با ارزش کردن خود و حفظ موقعیت خویش در برابر مردان در پیش گرفته‌اند (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۹). در تحلیل روان‌شناختی می‌توان گفت که خویشنداری زن در برابر مرد، او را دوست‌داشتنی‌تر می‌کند. در مقابل اگر زنان زیبایی‌هایشان را به راحتی در دسترس مردان قرار دهد، به تدریج آستانه حساسیت مردان را بالاتر می‌برند و جنبه‌های جذاب خود را عادی می‌سازند. ویل دورانت نیز به تأثیر عفاف بر احترام زنان اشاره کرده است: «موانعی که حجب و عفت زنان در برابر شهوت مردان ایجاد کرده، خود عاملی است که عاطفه و عشق شاعرانه را پدید آورده و ارزش زن را در چشم مرد بالا برده است» (دورانت، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۶۰). عبارت راسل

نیز به این واقعیت اشاره دارد: «تصور من بر این است که اگر مردی به سهولت به زنی دست بیابد، احساس آن مرد نسبت به آن زن یک نوع احساس عاشقانه عمیق نمی‌تواند باشد» (راسل، بی‌تا، ص ۷۹).

برخی احترام را با حریم زنان یکسان تلقی کردند و شواهدی که برای حریم زنان اشاره شد را برای احترام آورده‌اند (مهدی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۲۰-۱۱۲). با وجود این، آن شواهد مربوط به حریم زن است و احترام زن از کارکردهای رعایت حریم زن توسط خود وی و دیگران است.

۳. پیشگیری از نگاه جسمی و جنسی به زن

از مبانی آموزه اسلامی حجاب در زنان پیشگیری از نگاه جسمی و به دنبال آن جنسی برخورد کردن با زنان است. زنان مانند مردان ظرفیت‌های انسانی در حوزه‌های دانش، اخلاق و دینداری و هنر دارند. با وجود این، توجه به ظاهر و بدن زنان در بیشتر فرهنگ‌های دنیا غالب است. ریشه این رویکرد به زنان چیست؟ آیا می‌توان این رویکرد را به نگاهی جامع به زنان که شامل همه ابعاد انسانی آنان است سوق داد؟ چه راه‌های برای این روند می‌توان پیشنهاد کرد؟

«زیبایی اغلب به نوعی ویژگی خاص زنانه تعریف می‌شود و توجه به ظاهر زنانه یکی از جنبه‌های تفکر قالبی زنانه در بسیاری از فرهنگ‌هاست. مردم به شیوه‌های بسیاری زنانگی را با زیبایی و زیبایی را با جوانی برابر می‌دانند. در میان مردم آمریکا، جذابیت فیزیکی بخش اصلی‌تر خودپنداره زنان نسبت به مردان است (لرنر، اورلس و ناپ^۱، ۱۹۷۶). هاگ و همکاران (۱۹۸۷) اصطلاح «هویت شکل گرفته براساس بدن» را طبق مشاهداتشان از فرهنگی که ارزش زنان براساس ظاهر آنان سنجیده می‌شود، ابداع کردند. معیارهای زیبایی براساس زمان و مکان تغییر می‌کند و زنان برای هماهنگی با این معیارها تحت فشارند. بسیاری از زنان از بدن خود ناراضی هستند و این پدیده در بسیاری فرهنگ‌ها یافت شده است (بروان میلر^۲، ۱۹۸۴، تیچی من و پنینگتون^۳، ۱۹۹۰ و

1. Lerner, Orlos & Knapp.

2. Brown miler

3. Tiggemann & Pennington

فالون و روزین^۱، (۱۹۸۵)» (به نقل از لیپز^۲، ۱۳۹۳، ص ۱۰۲).

به نظر می‌رسد که ریشه نگاه جسمی به زنان، زیبایی جسمی زنان است؛ اما فرآیندی که این نگاه را غالب کرد، سرمایه‌گذاری، تبلیغ و برجسته‌سازی بعد زیبایی زنان در قرن بیستم بود. تعیین ملکه زیبایی در هر سال، استفاده روزافزون از زنان زیبا در عرصه‌های تبلیغات تجاری، هنر و سینما، نه تنها فکر و ذهن مردان بلکه بسیاری از زنان را به زیبایی بدن خود مشغول کرده است. مشغولیت ذهنی زنان در بسیاری از فرهنگ‌ها به رژیم غذایی و وزن اضافی، محصول همین فرآیند است. در آمریکا زنان ۹۵ درصد از دویلیون دلار کسب شده از تبلیغات برای کاهش وزن و نیز مصرف‌کننده ۹۰ درصد از قرص‌های رژیمی هستند (سولووی، ۲۰۰۰). در هر صورت هویت‌سازی زنان با اندام خود آنان را به سمت تلاش‌های سخت و اغلب دردآوری می‌کشاند تا به شکل و اندازه دلخواه برسند. آنان در این راه متحمل رژیم‌های سخت می‌شوند و در معرض بیماری و حتی مرگ قرار می‌گیرند (لیپز، ۱۳۹۳، ص ۱۰۳).

علی‌رغم تعالیم خردمندانه بیشتر فرهنگ‌ها مبنی بر اینکه زیبایی صرفاً جنبه ظاهری دارد و اهمیت آن از خصایل درونی کم‌تر است، واکنش بیشتر افراد براساس زیبایی قیافه و ظاهر خوشایند صورت می‌گیرد (کولینز^۳ و زبراویتز^۴، ۱۹۹۵). بررسی فینگلد (۱۹۹۰) نشان می‌دهد که مردان بیشتر از زنان تحت‌تأثیر زیبایی قرار می‌گیرند. در تحقیقی درباره زنان و مردان بیست تا شصت ساله انجام شد، گزارش شد که مردان، زنانی را ترجیح می‌دهند که از خودشان جذاب‌تر باشند، در حالی که زنان مردانی را ترجیح می‌پسندند که از نظر درآمد، تحصیلات، اعتماد به نفس، هوش، سلطه‌جویی و موقعیت اجتماعی از خودشان برتر باشند (بانک و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از بارون و همکاران، ۱۳۸۸). علاوه بر جنبه‌های طبیعی و فیزیکی زیبایی در افراد، عوامل موقعیتی نیز اهمیت تعیین‌کننده‌ای بر بیننده دارند. اگر شخص قبل از داوری یا ارزیابی، چند فرد بسیار جذاب را دیده باشد، فرد مورد ارزیابی با جذابیت کمتری به شمار می‌آید (کنریک، ۱۹۹۳). تفاوت میان شخص مورد نظر و افراد دیگر مورد مقایسه، ادراک بیننده

1. Fallon & Rozin

2. Lips.H.M.

3. Collins, M.A.

4. Zebrowitz, L.A.

را تغییر می‌دهد («اثر مقایسه» وجود دارد). این اثر در خارج از موقعیت آزمایشی نیز صادق است. هنگامی که مردان عکس‌های زنان بسیار زیبا را می‌بینند، همسران مورد علاقه خود را با جذابیت کمتری ارزیابی می‌کنند (کنریک و دیگران، ۱۹۸۰).

در مجموع می‌توان گفت که برجسته‌سازی زیبایی‌های بدنی به برخی ازدواج‌ها که احساس زیبایی شوهر نسبت به زن کم است، آسیب می‌زند.

برای تغییر این روند فردی و اجتماعی دو روش را می‌توان به کار برد: اول، ترویج و تبلیغ سایر استعدادهای انسانی زنان مانند نועدوستی و همدلی بیشتر، گرایش به معنویت، زمینه‌های هنری. دوم، کمرنگ کردن نمودهای جسمی و بدنی زنان در همه ابعاد ارتباط انسانی در جامعه از تعامل‌های شغلی تا عرصه‌های هنری و تبلیغاتی. برای تحقق هدف دوم ترویج و اجرای آموزه‌های همه ادیان الهی از جمله اسلام در زمینه عفاف و حجاب می‌تواند بسیار مؤثر باشد. با توجه به تأثیر حس بینایی، آموزه‌های اسلامی بر مهار چشمان توصیه‌های زیادی به مردان و زنان دارد (نور، ۳۰ و ۳۱). به نظر می‌رسد از مبانی مهم این آموزه پیشگیری از روندی است که به آن اشاره شد. گسترش پوشش دینی زنان در جوامع، ذهن و فکر زن و مرد را از توجه زیاد به بدن زنان منصرف می‌کند و زنان را از ایفای نقش به عنوان یک محرک حسی صرف، به انسانی واجد استعدادهای گوناگون برای به رشد زنان بلکه جوامع انسانی تبدیل می‌کند.

۴. تعدیل نیاز جنسی در روابط انسان

مطالب بسیاری در مورد روابط جنسی عاطفی زن و مرد در آثار علمی و ادبی به چشم می‌خورد و عشق بین زن و مرد موضوع بسیاری از اشعار و داستان‌ها در تاریخ بشر است (دورانت، ۱۳۵۴، ص ۴۵-۱۲۵). قرآن نیز به داستان دوستی شدید همسر عزیز مصر نسبت به یوسف می‌پردازد (یوسف ۳۰). نیازهای دیگر بشر مانند تغذیه، امنیت، قدرت و علم به این اندازه برجسته نشده است. در روان‌شناسی فلسفی یکی از قوای انسان را قوه شهویه نامیده‌اند که بخشی از آن به نیازهای جنسی مربوط بود (صدرالمتالهین، ۱۳۷۸، ج ۴/۲، ص ۸۵). فروید، نیاز جنسی را محور نظریه شخصیت، آسیب‌شناسی روانی و روان‌درمانگری خود قرار داد. همه منتقدان، نگاه فروید به غریزه جنسی را مبالغه‌آمیز تلقی می‌کنند (شولتز، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸).

در بررسی نگاه اسلام به غریزه جنسی در درجه اول توجه به این اصل مهم است که

اسلام مطابق طبیعت انسان است (روم، ۳۰ و کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۴۹۴) و به همه نیازهای جسمانی و روانی انسان‌ها توجه دارد. دوست داشتن روابط جنسی و زینت آن برای زندگی در قرآن تصریح شده است (آل عمران، ۱۴). از ابعاد مهم زندگی انسان لذت‌جویی است که می‌توان اوج آن را در روابط جنسی دانست (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۰).

متون اسلامی در کنار این نگاه مثبت به سرکشی و دشواری مهار غریزه جنسی به عنوان یک واقعیت روان‌شناختی انسان اشاره کرده (یوسف، ۵۳) و از لغزشگاه‌های جدی برای انسان ضعف مهار میل جنسی عنوان شده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۹). رفتارهای برانگیزنده میل جنسی مانند نگاه (حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۲)، ابن‌بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۸ و کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۵۹)، گفتگو (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۹۵ و ۱۰۵)، تماس بدنی (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۹۷) و حتی خلوت کردن شهوت‌آمیز با غیرهمسر از زمینه‌های لغزش شمرده شده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۸-۵۱۹). افزون بر ناکامی و بی‌توجهی، زیاده‌روی و استفاده از روش‌های نابهنجار در ارضای میل جنسی به آسیب‌های فردی و اجتماعی می‌انجامد. به همین جهت فرهنگ‌های مختلف چارچوب‌هایی برای رویارویی با این آسیب‌ها در نظر گرفته‌اند. همچنین مهار این غریزه دغدغه بسیاری از دانشمندان اخلاق بوده است. هدف رویکردهای دانش، هدایت غریزه جنسی به سمت ارضای لذت‌بخش و مهار مناسب آن است، هرچند در موارد و محدوده رفتار سالم جنسی اختلاف‌نظرهایی وجود دارد.

تفاوت زن و مرد در تحریک جنسی

یکی از زمینه‌های تفاوت میزان رعایت چارچوب‌ها در روابط زن و مرد نامحرم، تفاوت آنها در تحریک جنسی است. تفاوت‌های جنسیتی در نگرش‌های جنسی به رفتارها منتقل می‌شود. مطالعات روان‌شناختی میان‌فرهنگی نشان می‌دهد که به استثنای موارد اندک در سراسر دنیا مردان بیش از زنان اقدام به فعالیت جنسی می‌کنند (سیگل و همکاران، ۱۹۹۰، ص ۲۴۴). همچنین مردان بدون همسر بیش از زنان بدون همسر با شرکای جنسی متفاوت و زیادی رابطه دارند (بامیستر، ۱۹۹۱، ص ۱۵۱). جنس نر حیوانات نیز نه‌تنها روابط جنسی بیشتر دارد، بلکه بیش از جنس ماده به عشق‌ورزی و

تماس بدنی اقدام می‌کند (هندریک، ۱۹۸۸ و کنریک، ۱۹۸۸). در پژوهشی زنان و مردان جذابی به غریبه‌هایی از جنس دیگر نزدیک می‌شدند و پس از ابراز توجه به او، یکی از این سه درخواست را به فرد غریبه می‌گفتند: «آیا امشب با من بیرون می‌آیید؟»، «آیا امشب به آپارتمان من می‌آیید؟» و «آیا امشب کنار من می‌خوابید؟»؛ درحالی‌که هیچ‌یک از زنان به درخواست سوم جواب مثبت ندادند، ۷۵ درصد مردان پاسخشان مثبت بود. ۷۰ درصد مردان و ۷ درصد زنان به پرسش دوم جواب مثبت دادند ولی به پرسش اول که صرفاً یک قرار ملاقات بود درصد زنان و مردانی که پاسخ مثبت دادند، تقریباً برابر و حدود ۵۰ درصد بود (کلارک و هاتفیلد، ۱۹۸۹؛ به نقل از فورسیس^۱، ۱۹۹۴، ص ۴۳۱).

در یک پژوهش میدانی از حدود ۲۵۰ هزار دانشجوی سال اول این پرسش را طرح کردند: «آیا دو نفر که واقعاً هم را دوست دارند، درست است که رابطه جنسی داشته باشند، حتی اگر مدت بسیار کوتاهی باشد که همدیگر را شناخته‌اند؟» ۶۶ درصد مردها به این پرسش جواب مثبت دادند، درحالی‌که این درصد برای زنان ۳۹ بود (استین^۲ و همکاران، ۱۹۹۱).

باس و همکاران (۱۹۹۲) در پژوهشی دریافتند که مردان در طول زندگی خود به‌طور متوسط به دنبال ۱۸ شریک زندگی متفاوت و زنان به دنبال فقط ۴ یا ۵ شریک بودند. البته تحقیق دیگر این تعداد را برای مردان ۷/۶۹ و برای زنان ۲/۷۸ اعلام کرده است (پدرسون و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از ساندرسون^۳، ۲۰۱۰، ص ۴۲۰). در هر دو تحقیق، شریک‌های جنسی مردان سه برابر شریک‌های جنسی زنان است. نکته دیگر تفاوت زنان و مردان در مورد حسادت نسبت به رابطه خارج زناشویی همسر بود. در حالی که ۸۵ درصد زنان نسبت به تعلق عاطفی عمیق همسر با فرد دیگری حساس بودند، حدود ۶۰ درصد مردان نسبت به رابطه جنسی همسر با فرد دیگر حساسیت نشان دادند. این تحقیقات در جوامع غربی که در آن آزادی بیشتری در روابط جنسی نسبت به جوامع اسلامی وجود دارد، نشان می‌دهد که توجه هر یک از زن و مرد در رابطه با فردی از جنس دیگر به چه جنبه‌ای از شخصیت اوست و همین مقتضی نوع چارچوب‌های لازم در روابط با جنس دیگر است. متون دینی اسلام نیز به مسئله

1. Forsyth, D. R.

2. Astin

3. Saderson, C.A.

تفاوت‌های مرد و زن در میل جنسی اشاراتی دارد (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۴۰، ۴۲، ۸۲، ۱۰۷ و ج ۱۵، ص ۴۵۲ و الهاشمی الخوئی، بی تا، ج ۲۱، ص ۴۹۹).

۵. لزوم مهار نیاز خودآرایی زنان

از تفاوت‌های روانی زن و مرد، گرایش بیشتر زنان به خودآرایی و نمایش زیبایی خویش به ویژه به مردان است. شواهدی در کار است که این میل زنان، فطری است. «در زن علاقه به دلبر بودن، موردپسند بودن و مایه خرسند شدن بسیار شدید است»؛ «یکی از تمایلات عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که در چشم دیگران اثری مطلوب بخشیده و به وسیله حسن قیافه، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش‌آهنگی صدا و شیوه گفتار، مورد پسند دیگران واقع گردد، احساسات آنها را تحریک و آنان را مجذوب کند». تأثیر گرایش خودآرایی و تبرج در زندگی زنان به حدی است که «میل به جلب دیگران، مهم‌ترین محرک زندگی زن محسوب می‌شود» (لمبروزو^۱، ۱۳۶۹، ص ۱۵، ۴۲، ۴۴). دوران دربارۀ آثار گرایش به خودآرایی در زن می‌گوید: «زن میل دارد بیشتر مطلوب باشد، نه طالب و به همین جهت، در ارج‌گذاری و تقدیر آن جاذبه‌هایی که مایه تشدید میل مرد است، استاد است» (دوران، ۱۳۶۹، ص ۲۲۳).

نکته کلیدی در پذیرش طبیعی و فطری بودن خودآرایی زنان به تعامل آنان با مردان بازمی‌گردد. از آنجا که یک گرایش عمومی در بشر نسبت به زیبایی فرد دیگر وجود دارد و این گرایش در مردان نسبت به زیبایی زنان غالب و فراگیر است، زنان به زیبایی چهره و اندام خود بسیار اهمیت می‌دهند. البته این لزوماً به معنای گرایش آنان به عمل جنسی با مردان نیست. مطالعات لمب^۲ نشان داد که دختران دبیرستانی که لباس تحریک کننده می‌پوشند، ولی واکنش‌های جنسی هم‌تایان پسر را آزارنده می‌یابند به زبان حال می‌گویند: «چرا او یاد نمی‌گیرد، خودش را کنترل کند؟ من می‌خواهم به من نگاه کنی و بگویی جاذبه جنسی دارم، نه اینکه با من رابطه جنسی برقرار کنی!» (رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۵). پژوهش‌های زیاد در مورد تأکید مردان بر زیبایی زنان و برخی معیارهای زیبایی‌شناختی میان‌فرهنگی نشان می‌دهد که این امر به طور عمیق در طبیعت ریشه

1. Lombroso, G.

2. Lamb, Sh.

دارد. وقتی تصاویر زنان از نژادهای مختلف را به مردان نشان می‌دهند، آنان در باره اینکه کدام‌یک از زنان بیشترین و کمترین جذابیت را دارند، توافق دارند. روان‌شناسان دریافته‌اند که حتی کودکان سه ماهه ترجیح می‌دهند به چهره‌هایی خیره شوند که از نظر بزرگسالان جذاب هستند (همان، ص ۶۰-۵۹). هزینه زیاد زنان برای آرایش و لوازم آن در همه فرهنگ‌ها نیز شاهد دیگری بر فطری بودن گرایش آنان به خودآرایی است. در مجموع، اصل وجود این گرایش طبیعی و غلبه آن در زنان در متون علمی امری پذیرفته شده است.

در متون اسلامی لفظ «تبرج» به معنای جلوه‌گری و دلبری کردن برای جذب قلب دیگری آمده است. کلمه «تبرج» به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است، همان‌گونه که برج قلعه، برای همه هویدا است. در نگاه اسلامی از ویژگی‌های مهم زنان، خصیصه خودنمایی است که به صورت طبیعی در آنان وجود دارد. قرآن در دو آیه از تبرج زنان صحبت کرده است: «ای زنان (در برابر نامحرم) ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید، مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین» (احزاب، ۳۳) و «زنان، (در برابر نامحرمان) با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند» (نور، ۶۰).

قرآن در این آیات فقط زنان را از خودنمایی و به نمایش گذاشتن جاذبه‌های جنسی خود در برابر نامحرم نهی کرده و از تبرج مردان سخنی نگفته است.

آیه ۱۸ سوره زخرف نیز به پرورش زنان در بستر گرایش به زیور و خودآرایی اشاره می‌کند: «آیا کسی را (شریک خدا قرار داده‌اند) که در زر و زیور پرورش یافته است و [هنگام] مجادله و بحث بیانش روشن نیست؟». مفسران قرآن به تبیین دو صفت زنان در این آیه پرداخته‌اند. وجود این دو صفت در زنان به این جهت است که زن به طور طبیعی دارای عاطفه بیشتر و تعقل ضعیف‌تر از مرد است و از روشن‌ترین نمادهای قوت عاطفه زن، علاقه شدید او به زینت و زیور است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۳۴). طبق آیه گرایش ذاتی زنان به زینت و آرایش و کسب زیبایی جسمانی است. این گرایش به تربیت زنان به خودآرایی انجامیده است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۲۰، ص ۲۲۳). هرچند استعدادهای زنان در زمینه‌های معنوی و اجتماعی در آیات بسیاری از قرآن بیان شده است که برای نمونه می‌توان به تعبیرات قرآن از حضرت مریم و همسر فرعون اشاره کرد.

در سخنان معصومان(ع) نیز از وجود گرایش خودنمایی یا تبرّج در زن سخن گفته شده است. از امام علی(ع) نقل شده است: «خداوند زنان را از سرشت مردان آفرید، از این‌رو، تمام همّت خود را در جذب مردان و نزدیک شدن به آنها صرف می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۶۴).

شهید مطهری درباره آثار خودآرایی و اختصاص آن به زنان می‌گوید: «اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. این زن است که به حکم طبیعت خاص خود، می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرّج و برهنگی از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است» (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۱۹، ص ۴۳۶). در مورد کارکرد این گرایش در زنان می‌توان گفت: وجود این گزینه برای جذب کردن مرد به زن است تا بدین‌وسیله مقدمات ازدواج و زندگی مشترک آنان و تولید فرزند را فراهم کند؛ چنانکه در سایر جانداران نیز این ویژگی در جنس ماده وجود دارد. پژوهش‌ها تأکید مردان بر زیبایی زنان را مرتبط با زادآوری تبیین می‌کنند (رودز، ۱۳۹۲، ص ۸۹).

بی‌تردید گرایش خودنمایی و خودآرایی مانند سایر غرایز آدمی، نیازمند قانونمندی و مهار است؛ تا از زیاده‌روی در آن پرهیز شود. عدم مهار این گرایش، سایر ابعاد زندگی زنان را در حاشیه قرار می‌دهد و رشد اخلاقی، معنوی و اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد. از این‌رو، در دین اسلام برای این گرایش حدودی تعیین کرده و آزادی بی‌حد آن را نپذیرفته است. در برخی روایات، آرایش کردن برای زنان لازم شمرده شده و بی‌توجهی به آن به معنای نادیده گرفتن گرایش خودآرایی نکوهش شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۳۲۴). «برای زن سزاوار نیست که بدون زیور و آرایش باشد، حتی اگر یک گردن‌بند باشد و سزاوار نیست دستش از رنگ حنا خالی باشد، اگرچه پیر باشد، زن بدون زیور و آرایش نماز نخواند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۵۹). زنان همواره از زیور استفاده کنند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۴۷۵).

در روایات برای زیبا و با لطافت ماندن زنان توصیه‌هایی به شوهران شده است. برای نمونه امام علی(ع) فرمود: «کاری را که بیش از حد توانایی زن است به او وامگذار؛ زیرا (اگر زنان از کارهای سخت و طاقت‌فرسا به دور باشند) برای حال آنها و شادابی روحی

و دوام زیبایی آنها بهتر است؛ زیرا زن گل بهاری است (لطیف و حساس)، نه پهلوانی سختکوش» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۰، ص ۱۶). رسول اکرم (ص) به همه زنان، شوهردار یا بی‌شوهر توصیه می‌کرد پیوسته خضاب کنند (دست و صورت خود را به حنا و رنگ‌های زیبا آرایش کنند) و فرمود: «اما زنان شوهردار برای شوهرانشان زینت کنند و اما زنان بی‌شوهر به این دلیل خضاب کنند که دستشان شبیه دست مردان نشود و لطیف و زیبا بماند» (همان، ج ۲، ص ۹۷).

از مجموعه روایات در این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که دین اسلام با وجود نهی زنان از خودنمایی برای نامحرم به آنان توصیه کرده است که اگر در انظار نامحرم نباشند، حتماً آرایش و خودنمایی داشته باشند، به‌ویژه اگر در حضور شوهر باشند. کوشش زن در جذاب بودن و آرایش کردن برای شوهر ضمن اینکه نیاز طبیعی زن به خودنمایی را ارضا می‌کند، وی را از جلوه‌گری برای مردان نامحرم بی‌نیاز می‌کند؛ زیرا او برای فردی خودآرایی می‌کند که به او عشق می‌ورزد و در دوستی‌اش وفادار است. بدین‌سان، هم نیاز او به آرایش تأمین می‌شود و هم از آفات روابط بی‌قیدوبند مصون می‌شود.

همان‌گونه که بی‌توجهی به گرایش خودنمایی برای زن زیان‌بخش است، تبرج بیش از اندازه نیز زیان‌بخش خواهد بود و سلامت روانی زن را به مخاطره می‌اندازد. برخی نیازهای روانی، مثل نیاز به خودنمایی در زن سیری‌ناپذیرند و اگر انسان در ارضای آنها زیاده‌روی، نه تنها نیاز او برطرف نمی‌شود، بلکه تشنه‌تر شده، تمام فکر و ذهن او را به خود مشغول می‌کند. اگر زن در توجه به زیبایی ظاهری و خودآرایی افراط کند، به تدریج بیمارگونه به آرایش می‌پردازد و هیچ‌گاه احساس سیری نمی‌کند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «روح بشر فوق‌العاده تحریک‌پذیر است. اشتباه است که گمان کنیم تحریک‌پذیری روح بشر محدود به حد خاصی است و از آن‌پس آرام می‌گیرد. همان‌گونه که بشر از تصاحب ثروت و تملک جاه و مقام سیر نمی‌شود، در نیاز جنسی نیز سیری ندارد. هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان و بالاخره هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود. از طرفی، تقاضای نامحدود، انجام ناشدنی است و همیشه با محرومیت همراه است؛ در نتیجه، دست نیافتن به آرزوها، منجر به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌گردد» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۴۳۴).

وست‌کوت^۱ در نقد نظریه هورنای^۲ که معتقد بود زنان باید با خارج شدن از خانه و به عهده گرفتن کارهای متفاوت در مشاغل گوناگون، هویت خود را بیابند، می‌گوید: زنان امروزی بین نیاز به جلب توجه مردان و دنبال کردن اهداف شخصی خود، گیر افتاده‌اند. به همین دلیل، رفتارهای متضادی از خود نشان می‌دهند؛ گاهی اغواگر و پرخاشگر و گاهی مؤدب و گاهی جاه‌طلب می‌شوند. زنان امروز بین کار و عشق دوپاره شده‌اند و در نتیجه، هیچ‌کدام آنها را ارضا نمی‌کند (شولتز، ۱۳۹۲، ص ۱۹۱). زن طوری آفریده شده است که وابسته به یک مرد باشد و فقط برای او طنازی و عشوه‌گری کند. به همین دلیل، اگر تکیه‌گاهش را نیابد و به تجمل و جلوه‌گری خود ادامه دهد، دوام نخواهد آورد (لمبروزو، ۱۳۶۹، ص ۲۴).

از این مباحث یکی از حکمت‌های لزوم پوشش و عفاف برای زن در اسلام مشخص می‌شود؛ زیرا این حکم نقش اساسی در متعادل کردن روحیه خودنمایی زن دارد و عامل مهمی برای جلوگیری از بخشی از دغدغه‌های فکری زن به شمار می‌آید. آزاد بودن زن در خودآرایی و به نمایش گذاشتن جلوه‌های زنانه در جامعه موجب افراط در تجمل و توجه زیاد به زیبایی‌های ظاهری می‌شود که این توجه افراطی می‌تواند سبب بروز نگرانی در زن شود.

۶. سلامت روانی، اخلاقی و معنوی

از مقتضیات وضع چارچوب‌هایی برای روابط زن و مرد، تأمین سلامتی بیشتر زنان و مردان در زندگی اجتماعی است. ضعف و نبود ضوابطی برای روابط عاطفی و جسمی زن و مرد در بسترهای اجتماعی، آسیب‌هایی به افراد وارد می‌کند که می‌توان پیشگیری از این آسیب‌ها و تأمین سلامت افراد را از مبانی عفاف اعلام کرد. قرآن پیشگیری از آزار را از علل لزوم حجاب شرعی زنان که از ابعاد عفاف است اعلام کرده است: «ای پیغمبر به زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشان را به چادرهای خود فرو پوشند که این کار برای اینکه آنها به عفت و حریت شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوسرانان) آزار نکشند بر آنان بسیار بهتر است و خدا در حق خلق، آمرزنده و مهربان است» (احزاب، ۳۳). آسیب‌ها در اثر ضعف عفاف در سه بعد

1. Westkott

2. Horney

جسمانی، روانی ارتباطی و معنوی اخلاقی قرار می‌گیرد. ضعف چارچوب‌ها در ابعاد مختلف عفاف به آزادی بیشتر در روابط عاطفی زن و مرد می‌انجامد. در این شرایط جذابیت‌های عاطفی و جنسی دختر و پسر نسبت به هم بیشتر می‌شود و بستر برقراری دوستی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت و روابط جنسی از کمترین تا بیشترین حد آن فراهم می‌شود. در اثر این روابط مردان و بیشتر زنان متحمل آسیب‌هایی می‌شوند.

پژوهش‌ها به آسیب‌های جسمی افراد در روابط جنسی آزاد زن و مرد اشاره کرده‌اند که می‌توان مهم‌ترین آن را تن دادن به روابط جنسی اجباری و تجاوز دانست. از آنجا که پسران و مردان به نادرست اظهار دوستی زنان را به دعوت برای رابطه جنسی تفسیر می‌کنند، بیشتر موارد تجاوز از سوی آشنایان مانند دوستان پسر گزارش می‌شود و تجاوز غریبه و همراه با اجبار به ندرت روی می‌دهد (هیگمن و مولن هارد^۱، ۱۹۹۷). اصطلاح تجاوز در قرار ملاقات دوستانه^۲ به همین واقعیت اشاره دارد که زنان در روابط دوستانه با مردان مورد تعدی جنسی قرار می‌گیرند (رادمن^۳، ۲۰۰۸، ص ۲۷۸) و توان کمی در محافظت از خویش در این شرایط دارند. از این جهت ضعف چارچوب‌ها در روابط زن و مرد را می‌توان از زمینه‌های چنین مواردی دانست.

بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین، بیماری سرایتی جنسی، ایدز خصوصاً در سنین نوجوانی از آثار و عواقب ناخوشایند جسمی است که در رعایت نکردن چارچوب عفاف روی می‌دهد. پژوهش‌ها در آمریکا نشان می‌دهد که رفتارهای مضر به سلامتی در پسران و دختران ۱۲ تا ۱۶ ساله دارای روابط آزاد جنسی بسیار بیش از پسران و دختران باکره همین مقطع سنی است. جدول زیر تفاوت‌ها را نشان می‌دهد. اعداد و براساس درصد و به‌طور تقریبی است.

پسران		دختران		جنسیت
روابط باز	باکره	روابط باز	باکره	روابط باز جنسی یا باکره بودن
۱۱	۶	۳۰	۴	تلاش برای خودکشی

1. Hickman & Muehlenhard

2. date rape

3. Rudman, L

۸	۳۶	۳	۲۷	تعليق از مدرسه
۱۲	۳۴	۲	۲۳	دستگیری توسط پلیس
۳	۹	۱	۱۴	فرار از خانه
۲	۱۵	۳	۱۶	اخراج از مدرسه
۴	۱۶	۴	۲۶	رانندگی با مصرف مواد
۵	۲۱	۵	۲۱	مواد مخدر
۵	۳۸	۵	۳۷	مصرف ماری جوانا
۱۹	۴۸	۲۳	۶۵	استعمال سیگار
۲۲	۶۵	۲۹	۶۸	مصرف الکل

**Benefits of Delaying Sexual Debut the Institute for Youth Development.
The Institute for Youth Development**

افزون بر این، ضعف چارچوب‌ها در روابط زن و مرد زمینه‌ای برای آزار جنسی زنان است. آزار جنسی موجب ترس، ناتوانی، تنیدگی، اضطراب، خشم، درماندگی، سردرد زیاد، مصرف دارو و مواد مخدر در زنان می‌شود. در یک پژوهش در آمریکا در مورد ده‌هزار زن، ۴۲ درصد آنان گفته‌اند که در محل کار مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند (کارلسون و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹). هاید (۱۳۸۷، ص ۳۶-۴۳۴) نیز به وضعیت بدآزار جنسی زنان در محل کار، محل تحصیل، فضاهای عمومی اشاره می‌کند. اگر روابط باز مرد و زن به رابطه جنسی ناخواسته بینجامد، آسیب‌های روانی متوجه زنان می‌شود. البته در رابطه با اجبار جسمی، آسیب‌ها شدیدتر خواهد بود. اختلال هیجانی، عدم امنیت، انکار احساسات، ترس، خشم، افسردگی، بی‌خوابی، کابوس، بی‌زاری از آمیزش جنسی، احساس بی‌حرمتی و فقدان کنترل از پیامدهای تجاوز جنسی در تقریباً همه زنان است (کارلسون و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵).

راه‌حل‌هایی برای کاهش آزار جنسی و تجاوز به زنان طرح شده است که از جمله آن، افزایش قدرت و جایگاه اجتماعی زنان عنوان شده است. البته گاه همین افزایش رتبه اجتماعی زنان، برخی مردان را به مقاومت در برابر رشد زنان و ارتکاب آزارهای جنسی نسبت به زنان می‌کشاند (رادمن، ۲۰۰۸، ص ۲۸۲). راه‌های قانونی مانند اقامه دعوا نیز برای برخورد و پیشگیری از آزارهای جنسی توصیه شده است، ولی تعداد

بسیار کمی از زنان آن را دنبال می‌کنند. پیامدهای این روش زنان را وامی‌دارد که از آن چشم‌پوشند. آموزش زنان و مردان در محیط کار و توصیه‌های احتیاطی به آنان مانند اجتناب از به تنهایی قدم زدن در مکان‌ها خلوت و زمان‌های خطرآفرین مانند صبح زود، دقت در سوار شدن به ماشین‌ها و به همراه داشتن اسپری اشک‌آور نیز برای پیشگیری از این آسیب‌ها پیشنهاد شده است (کارلسون و دیگران، ۱۳۸۷، ص ۱۳۰ و ۱۳۹). بررسی نشان می‌دهد که این شیوه‌ها نمی‌تواند روابط زن و مرد را از وجود چارچوب‌هایی بی‌نیاز کند؛ برای نمونه، زنان قدرتمند نیز در مواردی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرند، هرچند این آزار در حد حمله و تجاوز نیست ولی به عزت نفس آنان آسیب می‌رساند. برای نمونه به رویدادی که در یک جلسه مهم بین رئیس دو کشور ایالات متحده آمریکا و آلمان رخ داد، می‌توان اشاره کرد.

مجله اشپیگل آلمان نوشت: «ماساژ دادن گردن مرکل توسط جرج بوش جنجال‌های زیادی را ایجاد کرده است. آیا این اقدام وی نوعی آزار جنسی بود و یا فقط یک رفتار نامناسب بود؟». این اقدام بوش فقط چند ثانیه طول کشید، ولی جنجال‌های زیادی ایجاد کرد.

مارتا وتسون، از فعالان حزب دموکرات اعلام کرد: «می‌توان از فیلم‌های این اقدام بوش برای تربیت صحیح دیگران استفاده کرد؛ به طوری که این فیلم را نمایش داد و گفت اگر رئیس شدید چنین رفتاری نباید انجام دهید» روزنامه سیاتل پست آمریکا حتی در حال بررسی مقررات دیپلماتیک سازمان ملل است تا مشخص کند آیا این اقدام وی نوعی آزار جنسی به شمار می‌آید یا خیر. این روزنامه رفتار جرج بوش را خجالت‌آور و نپذیرفتنی توصیف کرده است. اولگا وایوز، معاون رئیس سازمان ملی زنان آمریکا می‌گوید: «رئیس‌جمهور با این اقدام خود اعتبار آمریکا را زیرسؤال برد. این رفتار بوش من را شرمند کرده».

از نگاه اسلامی می‌توان تأمین امنیت اجتماعی زنان را یک کارکرد مهم رعایت عفاف دانست که برای نمونه به پایبندی به آن از راه رعایت حجاب در آیه ۵۹ سوره احزاب اشاره شده است. روابط باز زن و مرد و به آسیب‌های عاطفی هر دو جنس نیز می‌انجامد که برخی از آنها عبارت است از:

۱. **سرکوب شدن استعدادها:** از عواملی که مانع رشد استعدادهای نوجوان و جوان و شکوفایی آن می‌شود، تسلط میل جنسی بر فرد است (محمدی ری‌شهری، ج ۱۰، ص ۳۷۸) که بیشتر تمرکز و توجه او را معطوف به خود می‌کند و فرصت کمتری برای شکوفایی استعدادش پیدا می‌کند (صبور اردوآبادی، ۱۳۶۸، ص ۸۸۸۷).

۲. **افت تحصیلی یا رکود علمی:** این‌گونه روابط موجب می‌شوند که افراد بخش مهمی از فکر خود را صرف ملاقات‌های حضوری و تلفنی کنند که این فرصت رشد علمی را از آنان می‌گیرد. پیشرفت علمی به دست کشیدن از لذت‌ها و ارضای نیازهای جسمی و روانی از راه مشروع و در حد اعتدال منوط است (همان، ص ۸۹).

۳. **اضطراب، تشویش و احساس گناه:** در رابطه دوستی بین دختران و پسران، بروز افکاری همچون احساس گناه، نگرانی از تهدیدات پسر برای فاش کردن روابطش با دختر، تعارض درونی و اضطراب به دنبال دارد. جامعه دینی چارچوب‌هایی برای رابطه دوستی با فردی از جنس دیگر در نظر دارد. حال اگر فردی به علت ناآگاهی، غفلت و ضعف مهار خویش، مرتکب چنین رفتاری شد، پس از مدتی رفتارهای خود را با معیارهای اخلاقی و شرعی محک می‌زند و دچار پشیمانی می‌شود (محمدی ری‌شهری، ج ۱۰، ص ۳۸۱) و اگر نتواند از این فضای روانی خارج شود، احساس گناه می‌کند. روابط باز و نبود چارچوب‌ها در روابط زن و مرد، آسیب‌های معنوی و اخلاقی بسیاری بر آن وارد می‌کند که برخی از آنها عبارتند از:

۱. **آسیب‌های دینی و معنوی:** آموزه‌های ادیان الهی، ضعف چارچوب‌ها و روابط آزاد عاطفی جنسی را بر نمی‌تابد (عهد عتیق، تورات، سفر خروج، باب ۱۴/۲۰-۱۷ و عهد جدید، رساله پولس به تیموتائوس، باب ۲، آیه ۲۳). رابطه انسان با خداوند که در شناخت خدا و پرستش او تجلی می‌یابد و امروزه از آن به معنویت تعبیر می‌شود؛ به سبب رعایت نکردن چارچوب‌ها در روابط زن و مرد نامحرم آسیب می‌بیند. سوره یوسف در قرآن کریم به واقعیت در آیات بسیاری اشاره کرده است. برای نمونه از آیه ۲۳ سوره یوسف برداشت می‌شود که جایگاه نیکوی فرد در رابطه با خدا در اثر رابطه جنسی عاطفی نامشروع آسیب شدید می‌بیند. هرگونه رابطه جنسی با غیرهمسر به تضعیف ایمان می‌انجامد. متون اسلامی از این‌گونه روابط را بسیار زشت، راهی بد و تعدی از حدود الهی می‌شمارد (اسراء، ۳۲؛ نور، ۲ و ۳ و مؤمنون، ۷-۵). زنا عواقب بد

زیادی دارد که از جمله آن، تضعیف و حتی از بین رفتن ایمان در لحظه انجام این رفتار است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۲). به طور کلی هرگونه دوستی زن و مرد که در چارچوب ازدواج نباشد، مورد نهی آشکار قرآن است (نساء، ۲۵ و مائده، ۵). هرکس که به رابطه آزاد بدون ازدواج دست بزند مرتکب مخالفت با دستور خداوند شده است. در سخنان اولیای دین (ع) رابطه کلامی و غیرکلامی زن و مرد نامحرم زنای عضو درگیر آن شمرده شده است (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۵۵۴). در مقابل اولیای دین اسلام، بهترین عبادت و تلاش در راه خدا رعایت عفت در خوراک و رابطه جنسی اعلام کرده‌اند (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۷۹).

۲. آسیب‌های اخلاقی: آیه ۵۳ سوره احزاب تأثیر رعایت عفاف در سلامت اخلاق را بیان می‌کند: «ای اهل ایمان!... و زمانی که از همسرانش [پیامبر(ص)] متاعی خواستید از پشت پرده و حجابی از آنان بخواهید که این برای قلب شما و قلب‌های آنان پاکیزه‌تر است...». از این آیه می‌توان برداشت کرد که روان زن و مرد با رعایت عفاف از پاکی اخلاقی بهتری برخوردار خواهد شد. این پاکی اخلاقی و همراه نبودن احساس زن و مرد نسبت به هم به اغراض جنسی، در نگاه زن و مرد به هم و جایگاه آنان تأثیر دارد. سلامت اخلاقی جامعه با نوع و کیفیت پوشش زنان رابطه مستقیم دارد (اردوبادی، ۱۳۶۶، ص ۲۱۹). حیا از صفات اخلاقی است که از ارکان دینداری به شمار می‌آید تا جایی که کسی که حیا ندارد را بی‌دین شمرند (کلینی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۰۶). از پیامدهای روابط باز زن و مرد و رعایت نکردن چارچوب‌ها کاهش حیا است.

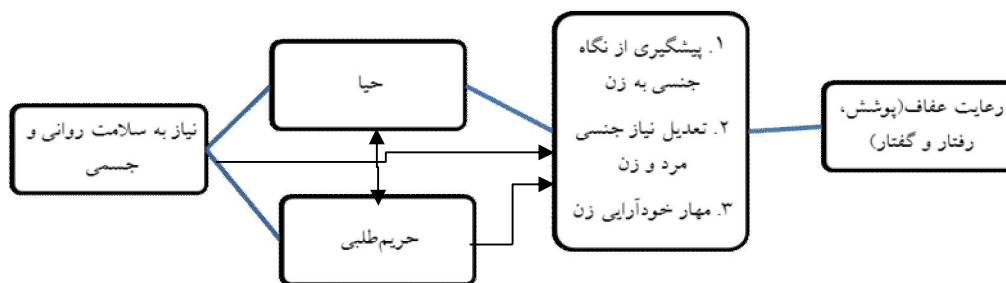
پایبندی به اخلاق، به پرهیز از نابهنجاری‌های جنسی بستگی دارد. پیامبر اسلام(ص) بزرگ‌ترین زمینه سقوط اخلاقی را افتادن مردان و زنان در دام امیال جنسی می‌داند. همچنین امام رضا(ع) وجود روابط آزاد بین زن و مرد را علت بسیاری از جنایات و مفاسد اخلاقی معرفی می‌کند (ابن بابویه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۷۹). بنابراین حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی بستگی به حفظ چارچوب‌ها و حریم زن و مرد دارد. ولتر درباره نقش زن در حفظ اخلاق می‌گوید: وظیفه زنان تهذیب اخلاق مردان است و زن آفریده شد تا شیرازه سعادت و ارتقای موجودات پیوسته بماند (زرزوندی، بی‌تا، ص ۸۱).

رعایت چارچوب‌ها در روابط زن و مرد نه تنها به پیشگیری از آسیب روانی به زن کمک می‌کند، بلکه در سلامت روانی او اثر مثبت دارد. پژوهش‌هایی در ایران در مورد

تأثیر حجاب بر سلامت روانی او شاهدهی بر این آثار است. پوررحیمی مرنی و همکاران (۱۳۸۸) نشان دادند که بین احساس پوشیدگی و سلامت روان همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد و با افزایش احساس پوشیدگی، سلامت روان افزایش می‌یابد. بین احساس پوشیدگی و اضطراب، بی‌خوابی و افسردگی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. همچنین بین احساس پوشیدگی و متغیرهای هوش هیجانی مانند حل مسئله، خوشبختی، تحمل تنیدگی، خودشکوفایی، واقع‌گرایی، خوش‌بینی و مسئولیت‌پذیری همبستگی مثبت معناداری دیده شده است. میانگین هوش هیجانی و سلامت روان در گروه چادری در بالاترین مقدار و در گروه مانتویی مددار در پایین‌ترین مقدار قرار دارد. تحقیق رجبی نیز در مورد ۴۱۵ نفر از دختران تهران و قم نشان داد که بین میزان نگرش دختران به حجاب و اضطراب رابطه منفی وجود دارد. به عبارت دیگر هرچه نگرش به حجاب مثبت‌تر باشد، میزان اضطراب کمتر است (رجبی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۰).

نتیجه‌گیری

تبیین تأثیر حیا، حریم‌طلبی، پیشگیری از نگاه جسمی و جنسی به زن، تعدیل نیاز جنسی در روابط انسان، لزوم مهار نیاز خودآرایی زنان و نیاز به سلامت روانی و جسمی، در رعایت عفاف در روابط انسانی نشان می‌دهد که تقویت این امور و بیان نقش آنها در عفاف می‌تواند مبنای تربیتی، گسترش این آموزه باشد. دو گام استفاده از نظرات نخبگانی و تدوین پرسشنامه‌ای بر اساس آن، می‌تواند زمینه پژوهش‌های میدانی برای تعیین میزان تأثیر هر یک از امور و نحوه ترتب آنها بر هم را فراهم کند. شکل زیر طرح پیشنهادی برای ترتب عوامل روان‌شناختی مؤثر در رعایت عفاف را نشان می‌دهد.



منابع

- قرآن حکیم (۱۳۷۱)، ترجمه جلال‌الدین مجتبی، ویرایش از حسین استادولی، تهران: حکمت.
- قرآن مجید (۱۴۱۱ق)، ترجمه محی‌الدین مهدی الهی قمشه‌ای، قم: هجرت.
- قرآن مجید (بی‌تا)، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- قرآن مجید (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم.
- کتاب مقدس (۱۹۳۲)، عهد عتیق یعنی تورات و عهد جدید یعنی انجیل مقدس، [بی‌جا: بی‌نا].
- آماده، مهدی (۱۳۹۲)، حمایت از حریم خصوصی، تهران: دادگستر.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، علل الشرائع، ج ۱، قم: [بی‌جا: بی‌نا].
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۳)، عیون أخبار الرضا(ع)، قم: مکتبه الحیدریه.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۷)، گوهر عفاف، ج ۱، ناشر: بوستان کتاب.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶)، حقوق حریم خصوصی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بارون، رابرت، دان بیرن و برنسکامب نایلا (۱۳۸۸)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه یوسف کریمی، تهران: نشر روان.
- بروجردی، مرتضی (۱۴۳۰ق/۱۳۸۸)، المستند فی شرح العروه الوثقی: تقریر الابحاث السید ابوالقاسم الموسوی الخوئی(قده): الصلاة، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی(قده).
- پسندیده، عباس (۱۳۸۳)، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم: دارالحدیث.
- پوررحیمی مرنی، مریم، علی سلیمانی، علیرضا مهدویان و نعیمه بزومی (۱۳۸۸)، بررسی احساس پوشیدگی، هوش هیجانی و سلامت روانی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، بهار و تابستان ش ۱، ص ۹۵-۱۰۶.
- جاوید، محمدجواد (۱۳۸۹)، تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان الهی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۸ق)، الصحاح فی اللغة و العلوم، معجم الصحاح، قاموس عربی-عربی / اعتنی به خلیل مامون شیخا، بیروت: دارالمعرفه.

- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۴)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش.
- حر عاملی محمدبن الحسن (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه / عنی بتصحیحه و تحقیقه و تزییله عبدالرحیم الربانی الشیرازی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تحقیق مؤسسه آل‌البیت (ع)، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) لایحیاء التراث.
- حرانی (ابن شعبه)، حسن بن علی (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل‌الرسول، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: کتابفروشی اسلامیة.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۳۶۸)، تذکره الفقهاء، قم: آل‌البیت لایحیاء التراث.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۵۴). تاریخ تمدن، ترجمه: عباس زریاب خوئی، تهران: اندیشه؛ فرانکلین.
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۳۶۹)، لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران: انتشارات سازمان آموزش انقلاب اسلامی.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، لغت‌نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- راسل، برتراند (بی‌تا)، زناشویی و اخلاق، برگزیده افکار راسل: روان‌شناسی رابطه زناشویی، گردآوری: رابرتا. اکتر؛ نقد و بررسی مطالب از محمدتقی جعفری؛ ترجمه از متن انگلیسی عبدالرحیم گواهی. [ایران]: امیر.
- راغب اصفهانی (۱۳۷۶)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق ندیم مرعشلی، تهران: مرتضوی.
- رجبی، عباس (۱۳۸۵)، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- رودز، اس.ای. (۲۰۰۴)، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، ترجمه معصومه محمدی (۱۳۹۲)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- زمنخسری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، بیروت: دارالکتاب العربی.
- سالاری فر، محمدرضا (۱۳۸۷)، مبانی روان‌شناختی حجاب و عفاف با نگاهی به متون اسلامی، طهورا، پاییز و زمستان، ش ۲، ص ۱۱-۳۲.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۸)، درآمدی بر روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی، قم: دارالحديث.
- شولتز، دوان پی؛ شولتز سیدنی (۱۳۹۲)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی

- سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- صبور اردوآبادی، احمد (۱۳۶۸)، بلوغ، انتشارات هدی، چ ۶، تهران.
- صدرالمتألهین شیرازی (۱۳۷۸)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ترجمه اسفار، ترجمه محمد خواجهوی، تهران: مولی.
- صفی‌پور، عبدالرحیم ابن عبدالکریم (بی‌تا)، منتهی الارب فی لغه العرب، فرهنگ عربی به فارسی، تهران: سنایی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، ابی‌علی‌الفضل بن الحسن (۱۴۰۸ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تعلیق هاشم الرسولی المحلاتی، فضل‌الله الیزدی الطباطبایی، بیروت: دارالمعرفه.
- طبرسی، میرزاحسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تحقیق موسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث، بیروت: مؤسسه آل‌البیته (ع) لاحیاء التراث.
- طریحی (۱۴۰۸)، مجمع البحرين، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۵)، تفسیر نور، قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کارلسون، استفانی و ایزنستات، زیژورین (۱۳۷۹)، بهداشت روانی زنان، ترجمه خدیجه ابوالمعالی و دیگران، تهران: ساوالان.
- کلینی، ابی‌جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۱۳)، فروع الکافی؛ تحقیق محمدجواد الفقیه؛ فهرست و تصحیح یوسف البقاعی، بیروت: دارالاضواء.
- لمبروزو، جینا (۱۳۶۹)، روح زن، ترجمه پری حسام شه رئیس، تهران، دانش.
- لیپز، هیلاری (۱۳۹۳)، روان‌شناسی زن از نگاهی نو، جنسیت، فرهنگ و قومیت، ترجمه فاطمه باقریان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- محسنی، فرید (۱۳۸۹)، حریم خصوصی اطلاعات (مطالعه کیفی در حقوق ایران، ایالات متحده آمریکا و فقه امامیه)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه همراه با ترجمه فارسی [ویرایش ۳]. قم: دارالحديث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰)، مسئله حجاب، تهران: صدرا.
- معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
- منتسکیو، روح القوانین (۱۳۶۲)، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران: امیرکبیر.

منتظری، حسینعلی (۱۳۷۳)، رساله استفتائات، ج ۲ و ۳، تهران: نشر تفکر.

المودودی، ابوالاعلی (۱۴۲۶)، الحجاب، بیروت: دارالفکر.

مهدی‌زاده، حسین (۱۳۹۰)، فلسفه حجاب، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

ورام بن ابی فراس، المالکی الاشری (۱۳۶۸)، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر المعروف بمجموعه ورام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.

الهاشمی الخوی، حبیب‌الله (بی‌تا)، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح و تهذیب ابراهیم المیانجی، طهران: مکتبه الاسلامیه طهران.

هاید؛ جانت شییلی (۱۳۸۷)، روان‌شناسی زنان: سهم زنان در تجربه بشری، ترجمه اکرم خمسه، تهران: آگاه و ارجمند.

Forsyth, Donelson. R. (1994), Our Social World. Albany: Brooks Cole.

<http://www.asriran.com/fa/news/799>. 94/11/4.

<http://www.spiegel.de/international/bush-s-massage-gate-rubbing-the-chancellor-s-neck-and-getting-an-earful-a-428852.html>.

Rudman, Laurie A. & Peter Gick (2008), The social psychology of gender: how power and intimacy shape gender relations, New York: Guilford Press.

Saderson, C.A. & Hoboken, N.J. (2010), Social Psychology. John Wiley.

The Institute for Youth Development (2008), Benefits of Delaying Sexual Debut.

Wiggins, James A., Beverly B. Wiggins & James Vander Zanden (1994), Social psychology, 5th ed, New York: McGraw-Hill.